

آثار و توصیف تقوا از منظر قرآن و روایات^۱



• عبد القیوم سادیر^۲

چکیده

۹ اگر جسم آدمی به مراقبت، پرورش و نیرومندی نیازمند است روح آدمی نیز به حفاظت و تکامل و رشد نیاز دارد. اگر جسم خود را در لباس می پوشانیم و در هر محیطی قرار نمی دهیم قصد محدود کردن آن را نداریم بلکه به جهت حفظ بهتر آن، چنین می کنیم و اگر روحمان را از آفات و آسیب ها محافظت می کنیم برای آن است که آلودگی ها و پستی ها دامن آن را نیالاید. این گونه صیانت از قلب و روح را «تقوا» نامیده اند. تقوا از ماده «وقایه» یعنی؛ حفظ نفس از هر آن چیزی که به آن آسیب می زند.

کلید واژگان: قرآن، حدیث، تقوی، روح، ایمان

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۷/۱۸ _ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۸/۲۳
۲- فارغ التحصیل مقطع کارشناسی، جامعه المصطفی^{علیه السلام} العالمیه، مشهد مقدس



مقدمه:

بی گمان یکی از راه های درک حقیقت مفهوم تقوا، بررسی مواردی است که در قرآن به عنوان تقوا از آن، یا تقوا در آن مطرح شده است. از آنجایی که مفهوم تقوا از منظر قرآن مفهومی گسترده و فراتر از مفهوم پرهیزگاری و پرواست، مراجعه و بررسی این موارد کمک بسیار شایانی در فهم و درک مفهوم آن و زمینه پرهیز از مصادیق و موارد آن را فراهم می آورد. از این نویسنده در این مطلب با مراجعه به قرآن مهمترین موارد و مصادیق تقوا از منظر قرآن را بیان کرده است. با هم این مطلب را از نظر می گذرانیم. اما حقیقت تقوا معنایی نیست که راغب بیان کرده است؛ زیرا با مراجعه به آموزه های قرآنی، مفهوم تقوا فراتر از نگهداری نفس از گناه و موجبات آن است، بلکه با نگاهی به مصادیق و مواردی که در آیات قرآنی بیان شده می توان دریافت که «مفهوم تقوا در اصطلاح قرآنی و شرعی، حفظ نفس از غضب و خشم الهی است که نماد آن عذاب های دنیوی و دوزخی در قیامت است». از این روست که اگر کسی واجبات الهی را ترک کند نیز بی تقوایی کرده است؛ چرا که نفس خویشتن را از خشم و غضب الهی حفظ نکرده و دور نگه نداشته است. بر این اساس می توان گفت که تقوا دارای مفهوم گسترده تر از مفهومی دارد که راغب بیان کرده است؛ بلکه می توان گفت که این تعریف قرآنی از تقوا به معنای لغوی آن بسیار نزدیک است؛ زیرا نگهداری نفس از هر چیزی است که موجب ترس می شود و از آن جایی که ترس انسان از عظمت و جلال و جبروت الهی، منشأ هر ترس حقیقی و اصل آن است، می بایست گفت که خوف و خشیت از مقام جلال الهی مهمترین عامل تقوا و حفظ نفس از هر عاملی است که خشم و غضب الهی را موجب می شود. در این صورت تفاوتی میان محرمات و ترک واجبات نیست؛ هر چند که در فهم اول، محرمات زودتر به ذهن متبادر می شود.

خداوند بارها از مردم خواسته تا از خداوند تقوا پیشه کنند. این بدان معناست که نخستین ترس و خوفی که باید در جان آدمی باشد، ترس از خدا حتی خدای رحمان است؛ زیرا جلوه ی رحمانیت خداوند دوزخ است. خداوند وقتی به جلال و عظمت و جبروت و قهاریت خودش ظهور می کند باید گفت: اعوذ بک منک؛ از خودت به خودت پناه می برم؛ یعنی از جلالیت به جمالت پناه می برم تا به جای عدل به فضل خودت با ما برخورد کنی. خداوند در آیه ۱۰۲ سوره آل عمران فرمان می دهد تا از خداوند در نهایت و غایت و تمامیت کمالی تقوا، پرهیز کنید و به سوی جلال و جبروتش نروید و خشم و غضب خدا را موجب نشوید. پس باید خدا را شناخت و بر پایه آن چه شایسته الهی است تقوا را نسبت به او مراعات کنید.

معنای تقوا

تقوا در فرهنگ معین به معنای پرهیزکاری، ترسکاری و اطاعت از خدا آمده است. (معین، ۱۳۶۰: ۱۱۲۲)

این که انسان در یک حالی باشد که بتواند خود را نگهداری کند. تقوای الهی نگهداری خود است از آنچه بد است، برای خدا. خداوند می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ) (انفال/۲۹)

ای مومنان! اگر از خداوند پروا کنید، برای شما نیروی تشخیص حق از باطل قرار می دهد و بدی هایتان را می پوشاند و شما را می آمرزد و خداوند صاحب بخشش بزرگ است. قرآن می گوید: اگر متقی واقعی باشید دو اثر دارد؛ که یکی از آن ها گشایش در کارهاست.

ارزش تقوا

در متون دینی ارزش فراوانی برای تقوا برشمرده شده؛ تا حدی که کمتر موضوعی از موضوعات در حد اهمیت، به پای آن می رسد و دلیل آن نیز روشن است؛ چرا که هدف خلقت آدمی که همان سعادت و رشد و کمال دنیوی و اخروی است به وسیله «تقوا» به دست می آید.

تقوا رئیس و سرسلسله اخلاق انسانی و اخلاق انبیاء شمرده شده است. در دو حدیث از امام علی (علیه السلام) این حقیقت منعکس شده است. ایشان می فرمایند: «التقى رئيس الاخلاق» (نهج البلاغه، حکمت: ۴۱۰) و در جای دیگر آمده است: «عليك بالتقى فإنه خلق الانبياء» (آمدی، بی تا: ۶۰۸۶) در زمینه فضایل معنوی، «تقوا» و «خویشتن داری» موفق به کسب مدال های زرین و درخشانی گردیده و گوی سبقت را از دیگر مؤلفه های اخلاقی ربوده است علاوه بر آنچه گفته شد در احادیث دیگری از معصومین شاهد بیان گوشه ای دیگر از این گوهر ارزشمند اخلاقی هستیم.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تقوا را «رزق و روزی» می داند که هر کسی که از آن بهره مند گردد خیر دنیا و آخرت نصیبش گشته است. در توصیه به جناب ابوذر تقوا را در رأس همه امور و سرآمد همه کارها معرفی می کنند و می فرمایند: عليك بتقوى الله فإنه الأمر كله (مجلسی، بی تا، ج ۷۰: ۲۸۹)

هنگامی که از امام علی (علیه السلام) از با فضیلت ترین کارها سؤال می شود امام انگشت تأکید خود را بر همین مسأله می گذارند: (همان، ج ۷۰: ۲۸۸) در تمثیلات و تشبیهات حدیثی نیز می توان زوایای دقیقی از مسأله تقوا و ارزش آن را جستجو کرد. ساختمان باشکوهی را تصور کنید که با نقشه ای دقیق، مصالح فراوان و تلاشی گسترده بنا شده است؛ اما چون بر سرزمینی با خاک سست و بی استحکام قرار گرفته دیری نمی پاید که فرومی ریزد و نیز زراعتی را در نظر بگیرید که در شوره زار کشت شده که چون خاک مناسبی ندارد و آب درست





به آن نمی رسد به بار نمی نشیند، اعمال آدمی نیز چنین اند. بنیان کار خیر اگر بر سرزمین تقوا که محکم ترین سرزمین است بنا شود، مستحکم ترین ساختمان خواهد بود که طوفان های کبر و ریا، غفلت و هواپرستی و گناه آن را ویران نخواهند کرد. ریشه درخت عمل آدمی اگر در کشتزار تقوا زرع شود هیچگاه بی آب نخواهد شد و بی ثمر نخواهد ماند؛ بلکه سرزمین تقوا سرزمینی با آب فراوان و خاک حاصل خیز است. آنچه گفته شد تفسیر کوتاه حدیثی پرمغز از مولاعلی (علیه السلام) است که نقش تقوا را در رشد عمل آدمی ذکر کرده اند: «لا یهلك علی التقوی سنخ اصل ولا یظما علیها زرع قوم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲) سخن در باب ارزش و اهمیت تقوا بسیار است که با توجه به مجال اندک این نوشتار که رسالت اصلی آن تبیین مفصل تر آثار و ثمرات تقوا است به همین کوتاه سخن بسنده می کنیم.

مراتب تقوا

تقوا را مراتبی است که دانستن آن به کمال روحی آدمی و پیشگیری از ایستائی و رخوت در خودسازی کمک شایانی می کند. سالکان طریق کمال با پیمودن هر مرحله از قله های رفیع سلسله جبال شامخ پرهیزکاری عزم خود را برای فتح دیگر قله ها جزم می کنند. در کتاب شریف «بحار الانوار» سه مرحله برای تقوا بیان شده است:

۱. نگهداری نفس از عذاب جاویدان از طریق تحصیل اعتقاد صحیح
۲. پرهیز از هرگونه گناه اعم از ترک واجبات و انجام معاصی
۳. خویشتن داری در برابر آنچه قلب آدمی را به خود مشغول می سازد و از حق منصرف می کند و این تقوای خواص، بلکه خاص الخاص است. (مجلسی، بی تا، ج ۷۰: ۱۳۶) چنین مرحله ای نتیجه بینش درست آدمی نسبت به ذات اقدس ربوبی است که او را نه فقط به خاطر ترس از عذاب و یا طمع به بهشت عبادت کند، بلکه ارزش و لیاقت و شدت عشق و حب به آن ذات مقدس، موجب می شود که هر آنچه غیر اوست هیچ تلقی گردد. چنان که مولاعلی (علیه السلام) عبادت خود را چنین توصیف می کند؛ آنجا که می فرماید: «ما عبدتک خوفا من نارك و لارغبه فی جنتک بل و جدتک اهلا للعباده فعبدتک» «من تو را از ترس آتشت و میل به بهشت عبادت نمی کنم بلکه چون تو را شایسته پرستش یافتم به عبادتت پرداختم.» (مجلسی، بی تا، ج ۷۰: ۱۳۶)

تقوی در قرآن

در قرآن کریم و روایات وارده از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) به دو راه و روش اساسی برای کسب تقوا اشاره شده که عبارتند از:

- توجه به اهداف اخروی



• عشق به خداوند متعال.

• توجه به اهداف اخروی

دقت و تأمل در آیات قرآن کریم نشان می دهد که از مهم ترین مسئولیت هایی که بر عهده همه پیامبران گذارده شده، بیم دادن امت های خود، از عذاب جهنم (که نتیجه خروج از بندگی و اطاعت خداوند متعال است) و بشارت دادن آنان به بهشت و نعمت های جاویدان آن (که حاصل اطاعت از خداورسول می باشد) بوده است. خداوند متعال می فرماید:

«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ» (بقره/ ۲۱۳) مردمان، جملگی بر یک آیین و عقیده ی باطل و کفر بودند، پس خداوند پیامبران را برانگیخت تا نوید دهنده به بهشت و بیم دهنده [از دوزخ] باشند. و در جای دیگر می فرماید:

«رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (نساء/ ۱۶۵) پیامبرانی را فرستاد که بشارت دهنده و بیم دهنده باشند، تا پس از آن دیگر مردم در برابر خداوند بهانه ای برای نافرمانی و بی خبری خود نداشته باشند که خداوند عزتمند و حکیم است.

و نیز می فرماید:

«وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (انعام/ ۴۸) و ما پیامبرانی را نمی فرستیم، مگر برای بشارت دادن و بیم دادن مردم. پس هر آنکه ایمان آورد و راه صلاح در پیش گیرد، نه او را هراسی باشد و نه اندوهگین شود.

راغب اصفهانی در مفردات در توضیح معنای بشیر و نذیر آورده است:

بشارت دادن از واژه بشره (به معنای پوست) گرفته شده و به معنای رساندن خبری شاد کننده به کسی است؛ زیرا وقتی شخص خوشحال می شود، خون به پوست صورتش می دود؛ همان گونه که آب به برگ درخت می رسد. انذار نیز به معنای دادن خبری است که موجب بیم و هراس می گردد. (راغب، ۵۱، ۱۳۸۶ و ۴۳۲)

از این رو، قرآن کریم در وصف مؤمنان می فرماید:

«تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (سجده/ ۱۶) مؤمنان [به هنگام شب] بستر خویش را رها کرده و از روی بیم و امید، خدای خویش را می خوانند و از آنچه که به آنها روزی دادیم [در راه خدا] انفاق می کنند.

و معنای آیه فوق آن است که مؤمنان در دل شب، آن هنگام که چشم ها به خواب رفته و جسم ها آرام گرفته، به دعا و راز و نیاز به درگاه پروردگار مشغول می شوند، نه فقط از روی بیم و هراس از خداوند که موجب ناامیدی آنان از رحمت او شود و نه فقط از روی میل به پاداش الهی آن گونه که خود را از خشم خداوند در امان



بینند بلکه هم از روی هراس و هم میل به پاداش الهی او را می خوانند. (سجده/۱۹)
چنان که در کتاب های آسمانی پیشین نیز آمده، پیامبران گذشته نیز همین روش را به کار بسته اند و قرآن کریم نیز آن را نفی نکرده، بلکه روش بیم دادن از عذاب دوزخ و تشویق کردن برای رسیدن به نعمت های بهشت را روش مناسبی برای تهذیب و اصلاح نفس دانسته است.
خداوند متعال می فرماید:

«أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ * وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ» (سجده/۲۰)
آنان که ایمان آورده، و عمل صالح انجام داده اند، بهشت برین جایگاه آن ها است و این پاداشی است در برابر آنچه که [از اعمال خیر] به جا آوردند. اما کسانی که تباهی و فساد کردند، جایگاهشان آتش دوزخ است؛ هرگاه که می خواهند از آن بیرون روند، بدان باز گردانده می شوند و به آنها گفته می شود: بچشید عذاب آتشی را که تکذیب و انکار می کردیدو نیز می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ» (توبه/۱۱۱) خداوند، جان و مال مؤمنان را از آنها می خرد و در مقابل، بهشت را به آنها می دهد.

در ادامه، قرآن کریم در وصف کافران می فرماید:
«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ» (آل عمران/ ۴) برای آنان که به آیات و نشانه های خداوند کافر شدند، عذابی سخت خواهد بود و خداوند انتقام گیرنده شکست ناپذیر است.
و از سخنان گهربار پیشوای پرهیزکاران حضرت علی (علیه السلام) در این باره است که می فرماید:
بدانید که من هرگز چیزی پر ارزش، همانند بهشت ندیدم که جویندگان آن در خواب غفلت باشند و چیزی هراس آور، چون دوزخ را ندیدم که حذرکنندگان از آن به خواب رفته باشند. (نهج البلاغه، خطبه ۲۸)
بهشت کافی است، تا پاداش واجر [نیکوکاران] قرار گیرد و دوزخ کافی است تا عذاب و کیفر [بدکاران] شود. بهشت، هدف پیشی گیرندگان است و دوزخ، هدف کوتاهی کنندگان.

آثار تقوا

طبیعت آدمی منفعت جو و طالب سود و فایده است و تا فایده کاری را نداند به آن دست نمی زند. از این رو داشتن انگیزه نخستین گام برای حرکت در یک مسیر است. قرآن و روایات علاوه بر آن که به ارزش و اهمیت تقوا، تفسیر آن و عوامل و موانع خویشنداری و اوصاف و ویژگی های متقین اشاره می کند به طور گسترده به تبیین آثار و ثمرات تقوا در زندگی فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی این مساله پرداخته و از این طریق در راستای تحریک انگیزه ها قدم برمی دارد.

بخشی از آثار و برکات تقوا در دنیا و بخشی از آن در آخرت به انسان متقی عطا می گردد که در حد وسع این مسأله به آن می پردازیم:

۱- برخورداری از برکات دنیوی

یکی از سنت های خداوند در زمین رابطه مستقیم بین گناه و تنگی معیشت از یک سو و استغفار و معنویت با وسعت روزی از سوی دیگر است. برخلاف حساب های دنیوی که آدمی به دنبال آن است تا با ترک صدقات واجب و مستحب و دغل بازی و حيله گری و هزار ترفند دیگر، به جلب منفعت و دفع مضرت بپردازد، آیات قرآن و احادیث معصومین به روشنی به نقش تقوا در افزایش برکات الهی و تأثیر گناه در کم شدن نعمات دنیوی اشاره می کند: «اگر اهل سرزمین ها ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند بر آنها برکات را از آسمان و زمین می گشودیم ولی چون تکذیب کردند، آنها را به آنچه انجام دادند گرفتیم» (اعراف/۹۶) در جای دیگر بر پا داشتن تعالیم آسمانی مایه جلب رحمت آسمانی و زمینی معرفی شده است.

اگر آنان تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارشان بر آنها نازل شده (قرآن) بر پای دارند، از آسمان و زمین روزی خواهند خورد. (حویزی، ۱۴۱۲، ج ۵: ۴۲۴) در احادیث معصومین نیز این ارتباط تنگاتنگ به چشم می خورد و استغفار را مایه جلب رزق و روزی و بهره مند شدن از نعمات الهی معرفی می کند.

خداوند سبحان استغفار را مایه فراوان رسیدن روزی و رحمت بندگان قرار داده و فرموده است: از پروردگار خویش طلب آمرزش کنید که او بسیار آمرزنده است تا باران های پربرکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد؛ جدای از وعده الهی بر پاداش دنیوی متقین، کشف رابطه تقوا با عمران و آبادی و رشد و ترقی در حوزه مسایل اجتماعی و فرهنگی و سیاسی کار دشواری نیست، با اندکی تأمل در زندگی فردی و اجتماعی روشن می شود که کفر و بی ایمانی سرچشمه عدم احساس مسئولیت، قانون شکنی، سستی خانواده ها و جوامع، تفرقه، از بین رفتن پایه های اطمینان به یکدیگر، هدر رفتن نیروی انسانی و بر هم خوردن تعادل اجتماعی است. به یقین در جامعه ای که مؤلفه های فوق وجود دارد رشد و ترقی با شکست و بن بست رو به روست. با دقت در چالش ها و مشکلات فرا روی فرد، خانواده و اجتماعی که به تصمیم سازی های غلط و انحرافات متعدد می انجامد روشن می گردد که ریشه آن در عدم تقوای فردی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... بوده است و به یقین هر یک از آثار عمیق بیان شده مضرات مادی فراوانی را بر دوش فرد و خانواده و اجتماع خواهد گذاشت. بسیاری از کارهای نادرست ما در زندگی زیان های مادی به ما می رسانند که ما از آن بی اطلاعیم و بالعکس اعمال معنوی ما منافی را به همراه دارد که رسیدن به ریشه آن از حدس و گمان ما خارج است یا نیاز به تأمل بیشتری دارد؛ از این روست که در آیات قرآن به این بعد از ثمرات تقوا اشاره داشته است و می فرماید هر کس تقوا پیشه





کند خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند و از جایی که گمان ندارد به او روزی می دهد. (مجلسی، بی تا، ج ۶۷، ص ۶۱) در حدیثی از پیامبر (ﷺ)، آن حضرت با استناد به این آیه، تقوا را تجارتی معرفی می کند که روزی فراوانی را بدون سرمایه کار به انسان نایل می کند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۹: ۴۱)

۲- روشن بینی

یکی دیگر از آثار شگرفت تقوا رسیدن به روشن بینی در امور زندگی است. با نظر به مردم دنیا گروهی را می بینیم که از مسایل، فقط چهره آبی و موقتی آن را می بینند و گروهی دیگر از دوراندیشی، تیزبینی، آینده نگری و توجه به عمق و کنه قضایا برخوردارند. براساس معارف دینی بین گروه اول و گروه دوم تفاوت بسیاری در میزان بهره مندی از «خویشتنداری» وجود دارد چرا که تقوا و ایمان مایه روشن بینی می گردد و گناه و عصیان موجب لغزش عقل، غفلت و خطا می شود.

پیامبر اکرم (ﷺ) در حدیثی به نقش ایمان در روشن بینی اشاره کرده اند: «از زیرکی مؤمن بترسید چرا که او با نور الهی می نگرد.» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۶۶) از سوی دیگر امام علی (علیه السلام) گناه را که مخالف تقوا است مایه لغزش عقل می دانند. ایشان می فرمایند: «بیشترین لغزشگاه های عقل ها زیر درخشش طمع هاست.» (همان: ۲۶۶)

یکی از مفسران نقش نور الهی را در شناخت حقیقت به نحو لطیفی بیان می کند و می فرماید: قلب آدمی همچون آینه است و وجود و هستی پروردگار همچون آفتاب عالمتاب، اگر این آینه را زنگار هوی و هوس تیره و تار کند نوری در آن منعکس نخواهد شد؛ اما هنگامی که در پرتو تقوا و پرهیزکاری صیقل داده شود و زنگارها از میان برود نور خیره کننده آن آفتاب پرفروغ، در آن منعکس می شود و همه جا را روشن می کند.» (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۱۰: ۳۰۶)

این نور روشنگر زندگی در آیات قرآن مورد اشاره قرار گرفته است و می خوانیم: «ای کسانی که ایمان آورده اید تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش ایمان بیاورید تا دو سهم از رحمتش به شما ببخشد و برای شما نوری قرار دهد که با آن (در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید و گناهان شما را ببخشد و خداوند آمرزنده مهربان است.» (حدید/۲۸). در روایات منظور از نور را «نور ایمان»، «نور قرآن» و امام معصومی که از او تبعیت کنند، دانسته اند که در هر حال وجه مشترک آن رسیدن به حقیقت و تشخیص راه صحیح به وسیله هر کدام از این نورهاست. تعبیر دیگری که قرآن برای این بعد از آثار تقوا مطرح کرده است، اصطلاح (فرقان) است.

«اگر تقوای الهی پیشه کنید خداوند برای شما وسیله ای جهت جداساختن حق از باطل قرار می دهد.» (انفال/۲۹) بقره نیز تعلیم الهی از برکات تقوا معرفی شده و آمده است: (از خدا بترسید و خدا به شما تعلیم می دهد.)

۳- مصونیت

کارکرد دیگر تقوا که به دنبال روشن بینی حاصل می شود، مصونیت است. علاوه بر آن که خداوند، انسان متقی را تحت حمایت خود قرار می دهد و بارها در قرآن به نقش ولایت خداوند و سرپرستی او از مؤمنان اشاره کرده «والله ولی المتقین» (جاثیه/۱۹) انسان پرهیزگار در پرتو نور تقوا بسیاری از خطراتی که ناشی از غفلت و عدم آینده نگری ممکن است به او برسد را دفع می کند و تکلیف خویش را در فتنه ها، ناهنجاری ها و التهابات خانوادگی و اجتماعی می داند و مجهز به سپری محکم و لباسی محفوظ به نام «تقواست» از این روست که در تشبیه جالبی در قرآن از تقوا به لباس تعبیر شده است «ولباس التقوی ذلک خیر» (اعراف/۲۶) لباس تقوا بهتر است.

امام باقر (علیه السلام) در تفسیر این فراز از آیه می فرماید: «لباس» همان جامه هایی است که می پوشند و «لباس تقوا» عفاف و پاکدامنی است؛ زیرا شخص پاکدامن اگر چه برهنه از لباس باشد، عیبی از او آشکار نمی شود و آلوده دامن هر چند پوشیده از لباس باشد، عیب هایش آشکار است. خداوند می فرماید: «و لباس التقوی ذلک خیر» یعنی «العفاف خیر» (حویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ۳۵۶) می توان گفت همانگونه که «لباس مادی» آدمی را در برابر سرما و گرما و خطرات حفظ می کند، عیوب جسمانی را می پوشاند و مایه زینت آدمی است، تقوا نیز چنین تأثیراتی را بر جسم و روح آدمی به همراه دارد.

۴- نجات از مشکلات و آسان شدن کارها

در حدیثی از ابوذر غفاری نقل شده که پیامبر فرمودند: «من آیه ای را می دانم که اگر مردم به آن چنگ زنند، آن ها را کفایت می کند و آن این آیه است: کسی که تقوا پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۱۰: ۳۰۶) و در حدیث دیگری از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مفهوم نجات در حدیث فوق را نجات از شبهه های دنیوی، سختی های مرگ و روز قیامت معرفی کرده اند. (حویزی، ۱۴۱۲، ج ۵: ۳۵۴) جمعی از مفسران گفته اند که این آیه درباره عوف بن مالک نازل شده که از یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. دشمنان اسلام فرزندش را اسیر کردند. او به محضر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و از این ماجرا و نیز فقر و تنگدستی شکایت کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: تقوا پیشه کن و شکیبا باش و بسیار ذکر «لا حول ولا قوه الا بالله» بگو. او این کار را انجام داد. ناگهان در حالی که نشسته بود، فرزندش از در وارد شد و معلوم شد که از یک لحظه غفلت دشمن، استفاده کرده و فرار نموده و حتی شتری از دشمن را نیز با خود آورده است. (طبرسی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۰: ۳۰۶) اما نکته قابل توجه این که ذکر این بیانات به معنی گوشه نشینی و سستی به امید فضل الهی نیست بلکه انسان باید نهایت تلاش خود را در زندگی انجام دهد و در عین حال در مشکلات از خدا یاری بخواهد.





حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: وقتی آیه «و من یتق الله يجعله...» نازل شد، جمعی از یاران رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درها را بر روی خود بستند و به عبادت رو آوردند و گفتند خداوند روزی ما را عهده دار شده است، این جریان به گوش پیامبر رسید. کسی را نزد آنها فرستاد که چرا چنین کرده اید؟ گفتند: ای رسول خدا! چون خداوند روزی ما را تکفل کرده ما به عبادت مشغول شدیم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: کسی که چنین کند، دعایش مستجاب نمی شود و طلبش برآورده نمی گردد. (حویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ۳۵۴)

آری «آسانی کار» که خداوند وعده داده است و فرموده است: هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند کارها را برای او آسان می سازد. (طلاق/۴) و نیز فرموده است: «اما آن کس که در (راه خدا) انفاق کند و پرهیزگاری پیش گیرد و جزای نیک (الهی) را تصدیق کند ما او را در مسیر آسانی قرار می دهیم» (لیل/۵ تا ۷) این ها همه به دست نمی آید مگر در گرو گذشتن از کوره های سخت آزمایش الهی و تحمل رنج و مشقت و کار و تلاش و اساسا سنت الهی در دنیا بر این امور است نه تن پروری و انزوا و رخوت و سستی که نابرده رنج گنج میسر نمی شود

۵- پذیرش عمل

هریک از اعمال نیکی که در دنیا انجام می دهیم، جدای از پاداش و بهره اخروی منافع دنیوی فراوانی را به انسان می رساند. بهره مندی از این منافع و نیز پاداش اخروی در گرو قبولی عمل است. در آیات قرآن ملاک قبولی عمل تقوا ذکر شده است. عملی که در سرزمین تقوا کاشته شود، ثمر می دهد و به بار می نشیند و تخم عملی که در شوره زار ریا و غفلت و طمع ریخته شود، بی حاصل است. آیه شریفه: «انما یتقبل الله من المتقین» خطایی عام و حکمی عمومی برای همه اعمال آدمی و ملاکی قطعی برای پذیرش عمل است. این آیه به دنبال حکایت هابیل و قابیل آمده است که هر کدام از آن ها برای تقرب به پروردگار کاری را انجام دادند که از یکی قبول شد و از دیگری مقبول نیفتاد که این فراز پایانی آیه، دلیل قبولی عمل هابیل را تقوای پیشگی او می داند: «واتل علیهم نبا ابنی آدم بالحق اذ قربا قربانا فتقبل من احدهما ولم یتقبل من الاخر قال لاقتلک قال انما یتقبل الله من المتقین» «داستان دو فرزند آدم را به حق بر آنها بخوان هنگامی که هر کدام عملی را برای تقرب (به پروردگار) انجام دادند اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد (قابیل) گفت: به خدا سوگند تو را هم خواهم کشت (هابیل) گفت: خدا تنها از پرهیزکاران می پذیرد.» (مائده/۲۷)

در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ارزش عملی که از روی تقوا انجام شده و مورد پذیرش خداوند واقع گشته، روشن شده است ایشان می فرمایند: «کوشش تو در عمل همراه با تقوا بسیار بیشتر از عمل بدون تقوا باشد زیرا عمل همراه با تقوا قلیل شمرده نمی شود و چگونه عملی که مورد قبول خداوند قرار گرفته اندک شمرده شود.

به خاطر سخن خداوند بلند مرتبه که فرمود: خداوند تنها از تقوایبندگان قبول می کند.» (مجلسی، بی تا، ج ۶۷:۲۰۰)

۶- رهایی از ترس و اندوه

مشکلات و گرفتاری های زندگی، آرزوها و تمایلات بشری گاه موجبات ترس و اضطراب و یأس و اندوه را برای آدمی به همراه دارد. در این میان مردم در شیوه مواجهه با آن دو گروهند؛ عده ای در مقابل آن منفعل و عده ای فعالند. گروه اول قدرت برخورد با این مشکلات را در خود نمی بینند و چون پشتوانه محکمی ندارند همواره یأس و اضطراب، پوچی و بی هویتی سیمای زندگیشان را تیره و تار می نمایند و گروه دوم با اتکا به نیروی الهی و صبر و تحمل در برابر سختی و خویشتن داری و پرهیزکاری به مقابله با مشکلات می پردازند پاداش و ثمره این مجاهدت آن ها را خداوند این چنین بیان می کند: «هان، همانا اولیای الهی را نه ترسی است و نه اندوهی، همان کسانی که ایمان آوردند و تقوا پیشه می کردند، بشارت در دنیا و آخرت برای آن هاست. وعده های خدا را تبدیلی نیست، این همان رستگاری بزرگ است. (یونس/۶۲-۶۴)

ایمنی از ترس و اندوه برای اولیای الهی از آن روست که در همراهی خدایند و خدا نیز امر آن ها را کفایت می کند: «خداوند با کسانی است که تقوا دارند و نیکوکارند.» (نحل/۱۲۸)

۷- حسن عاقبت و پاداش بهشتی

کلید سعادت، فرجام نیک است چه بسا افرادی که مدتی عمل نیک انجام می دادند؛ اما بعد از آن از حق رویگردان شدند. بهترین نمونه این بدفرجامی، شیطان است که پس از سالها عبادت از درگاه الهی رانده شد. حسن عاقبت بالاترین نعمتی است که خداوند به متقین می دهد:

«سرانجام پسندیده از آن متقین است.» (اعراف/۱۲۸) بدنبال چنین حسن عاقبتی، بهشت و انواع نعمت های آن که در قرآن وعده داده شده به آدمی می رسد و از این نعمات متعم می گردد: «این همان بهشتی است که به هریک از بندگان ما که پرهیزکار باشند به میراث می دهیم.» و در آیه دیگر به تفصیل بیشتری از این نعمات بهشتی می پردازد و می فرماید: «در حقیقت مردم پرهیزکار در میان باغ ها و نهرا در قرارگاه صدق نزد پادشاهی توانایند» (قمر/۵۴-۵۵) امید است که خداوند ما را از جمله متقین قرار دهد و حسن عاقبت عطا فرماید.





نتیجه گیری

یکی از بالاترین مقامات در سیر به سمت قرب الهی مقام محبوبیت یافتن نزد خداست و کسی که محبوب خداوند می شود، آثار حیرت انگیزی بر این محبوب خدا شدن برایش مترتب است. اولین بار که خواستم ببینم خداوند چه کسانی را دوست دارد، **يُحِبُّ** را در قرآن جستجو کردم. خداوند گروه های بسیاری را در قرآن به عنوان محبوب معرفی کرده که به امید خدا به مرور سعی در معرفی محبوبین خدا در قرآن داریم، اولین گروه از میان محبوبین خدا که خدمت دوستان در موردشان بحث خواهیم کرد متقین هستند.

منابع :

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، (۱۴۰۴ ق.)، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

۲) اصفهانی، راغب، (۱۳۸۶)، مفردات، مصطفی رحیمی نیا، نوبت اول، نشر سبحان، تهران

۳) آمدی تیمی، عبد الواحد محمد (۱۳۶۶ ش)، غرر الحکم و درر الکلم، شرح جمال الدین خوانساری، دانشگاه تهران، تهران

۴) بحرانی، سیدهاشم، (۱۴۱۶ ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثة قم، چاپ اول، بنیاد بعثت، تهران.

۵) حر عاملی، محمد بن حسن بن علی، (۱۴۰۹ ق)، وسایل الشیعه، موسسه آل البيت، قم.

۶) حسینی البحرانی، سیدهاشم، (۱۴۱۷ ق) البرهان فی تفسیر القرآن، ۵ جلد، چاپ اول، الدراسات الاسلامیه، قم.

۷) حویزی، عبد علی بن الجمعه، (۱۴۱۲ ق)، تفسیر نور الثقلین، تصحیح و تعلیق: سید هاشم رسولی محلاتی، مرسته اسماعیلیان، قم

۸) طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۹۷۴ م)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت

۹) طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (۱۳۸۰)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ترجمه علی کرمی، انتشارات فراهانی، تهران.

۱۰) قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ ش)، تفسیر القمی، به تحقیق طیب موسوی جزایری، چاپ سوم، دار الکتب، قم

۱۱) کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۳۶۵ ش)، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران

۱۲) مجلسی محمد باقر، (بی تا)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، اسلامی، تهران.

۱۳) معین، محمد، (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی، جلد اول، نوبت چهارم، انتشارات امیر کبیر، تهران

